

احساس عدم امنیت زنان در خانه و خیابان

Photo: grigvovan//depositphotos.com

راضیه امیری

«به دوستم تجاوز شد، چون ساعت ۲۱ شب تنها به خانه برمی گشت. من اگر این کار را نکنم مورد تجاوز قرار نمی گیرم». این یک واگویه ایست که فرد به خودش می گوید تا بتواند با فرافکنی جنایتی که اتفاق افتاده است، برای خود احساس امنیت دروغین ایجاد کند و خودش را راضی کند که نوع کنش او و دوستانش موجب تجاوز به آنان می شود نه نوع خواست فردی که این فعل از آن اوست.

جدای از غلط بودن این نگرش، ولی خود این واگویه و اقناع شخصی، ثابت می کند که چه اندازه افراد نیازمند احساس امنیت هستند.

احساس امنیت زنان را چگونه می توان تعریف کرد؟ بر اساس تعاریف آکادمیک احساس امنیت زنان عبارت است از میزان آرامش خاطر ذهنی و روانی زنان درباره اینکه در زندگی روزمره خود چقدر در برابر خطرات احتمالی و خشونت علیه آن ها در خانواده مصونیت دارند. این احساس به واکنش عاطفی زنان نسبت به خشونت احتمالی می پردازد.

اکثر زنان - خصوصاً در کشورهای توسعه نیافته - خشونت خانگی را تجربه کرده اند. از این رو بحث احساس امنیت از آنجا که در برهم کنش تنگاتنگی با بحث خشونت خانگی دارد، بجاست در اینجا به این بحث بپردازیم که چگونه فقدان احساس امنیت برای زنان می تواند، تلخی و ناخشنودی برای این زنان خشونت دیده به همراه بیاورد.

اگر که در نظر بگیریم در خیلی از جوامع و خصوصاً توسعه نیافته، اینکه جنس مذکر حق اعمال خشونت دارد، گویی اصلی پذیرفته شده است. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در یک مقاله [دانشگاهی پیرامون](#) حق نانوشته جنس مذکر برای اعمال خشونت آمده است: «باورهای مردسالار حاکم بر جامعه، این خشونت ها را طبیعت مرد می داند و سعی در توجیه آن دارد و گاهی رنگ و سیاق اخلاقی و ناموسی به آن می دهد. این باورها، چنان در ذهن مرد و زن ایرانی از کودکی ریشه دوانده که اگر زن یا دختری در مقابل این خشونت ها مقاومت کند با برچسب ها و احکامی سخت تر روبه رو خواهد شد که اطرافیان و هم جنسان خود به او می دهند. نگرش های فرهنگی خانواده های ایرانی براساس تحمل و تبعیت زنان و فرزندان از درخواست های شوهر - پدر شکل گرفته است و خشونت های روزمره و محدود، تربیت در نظر گرفته می شوند؛ در نتیجه، بسیاری اوقات، فرد تحت خشونت، درکی از ستم وارد بر خود ندارد؛ اما عجیب آنکه زنان این موضوع را بیشتر از مردان توجیه می کنند.»

البته در ایران کنونی شاید بتوان گفت زنان در فضای عمومی بیش از فضای خانه، احساس عدم امنیت دارند. اتفاق تلخی که برای زنان اصفهانی در پاییز ۳۹ اتفاق افتاد و اسیدپاشی به صورت دختران جوان آن شهر به بهانه حجاب و یا بدحجابی، نشان داد چگونه حکومت نیز همدست دیگر نیروها علیه احساس امنیت زنان فعالیت می کند. به یاد بیاوریم که هیچ گاه عاملان آن اسیدپاشی ها شناسایی نشدند. طبیعی ست که بازداشت آنان برای جمهوری اسلامی، زحمت چندانی نمی گرفت.

نکته جالب توجه آنجاست که بر اساس یک [تحقیق دانشگاهی](#) در سال ۵۹، زنان جوان بین پوشش و احساس امنیت، رابطه پرمعنایی نمی بینند. یعنی میزان پوشیدگی بر احساس امنیت جنسی یعنی میزان ترس و نگرانی آنان از مواجهه با آزارهای جنسی تأثیری ندارد. یعنی زنان دانشجو، صرف نظر از نوع پوشش و میزان پوشیدگی، از اینکه در فضای عمومی در معرض رفتارهای جنسی آزاردهنده قرار گیرند تقریباً به یک میزان احساس ناامنی می کنند.»

دکتر «مصطفی آبروشن» یکی از اعضای انجمن جامعه شناسی، سیستم آموزشی کشور و نوع محتوای دروس فرزندان این سرزمین را دلیلی می داند که نگاه های جنسیتی را تقویت می کند و به تبع آن بر خشونت خانگی می دمد و به تبع آن احساس امنیت زنان بیش از پیش، کمتر و کمتر می شود. او می نویسد: «یکی از عوامل خشونت ورزی علیه زنان نظام آموزشی در ایران است گفتنی است که نهاد آموزش و پرورش از جمله عوامل جامعه پذیر کردن اعضای جدید جامعه است. مدرسه در ایران، تبعیض جنسیتی بین دختر و پسر را تولید و در ذهن عادی سازی می کند، عده ای معتقدند که تفاوت های جنسیتی ریشه در بیولوژی و تفاوت زیستی افراد دارد اما پژوهش ها ما را به این نتیجه می رساند که ریشه تمایزات رفتاری به نوع اجتماعی شدن افراد برمی گردد. در طول دوران تحصیل اینگونه به دانش آموزان القا می شود که نقش های مردانه، افراد را در منزلت و ارزش های فرهنگی بالاتری قرار می دهد و این باور غلط به صورت بخشی از یک برنامه آموزشی پنهان در نهاد مدرسه تقویت و باز تولید می شود.»

به ادعای [او تحلیل](#) محتوای کتاب های درسی شاهدهی ست بر این نکته که همه چیز قطبی شده است و جنس ها از «کلیشه های تجویزی» پیروی می کنند و شکستن این کلیشه ها نیز نامطلوب تلقی می شود. وقتی دختران در جایگاه هایی از پیش در نظر گرفته شده می ایستند،

طبیعی است که آنچه برای آنان در زندگی با دیگر جنس جلوه می‌کند، بیش از تفاوت‌های جنسیتی است.

درواقع شاید بحث بالا بتواند اینگونه خلاصه شود که زنان ایرانی که خشونت خانگی، به شدت تقویت‌کننده احساس عدم امنیت است و با توجه به میزان بالای احساس عدم امنیت زنان، زنان ایرانی به شدت نیازمند احساس امنیت در خانه و خیابان هستند و اگر سیستم سیاسی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد این احساس را به وجود بیاورد، حداقل در خانه باید خانواده سازنده و مقوم این احساس برای زنان و دختران خانه باشد.

حق جدایی



حق طلاق را برای مرد و زن به شکل برابر به رسمیت بشناسیم.
کاری از مانا نیستانی

تحولات قانون مقابله با خشونت علیه زنان در عربستان

Photo: By Mariia Ivanets/www.shutterstock.com

مهری قاسمی

قوانین مقابله با خشونت علیه زنان، حتی در عربستان شرایطی بهتر از ایران دارد. در ایران مرسوم است که وضعیت زندگی با کشورهای توسعه یافته مقایسه شود، اما حتی بررسی شاخص‌های توسعه انسانی در کشورهای منطقه می‌تواند وضعیت بحرانی ایران را نشان دهد. بر اساس گزارشی که دفتر برنامه توسعه سازمان ملل متحد در **سال ۸۱۰۲** منتشر کرد، ایران از نظر شاخص توسعه انسانی از بین ۹۸۱ کشور در رده شصتم قرار گرفته است. در منطقه خاورمیانه، اسرائیل در رده بیست و دوم و در صدر قرار داشت و پس از آن امارات در رده ۴۳ و عربستان سعودی در رده ۹۳ قرار گرفته بودند.

شاخص توسعه انسانی یکی از نمودهایی است که وضعیت زنان در محاسبه آن اهمیتی اساسی دارد. در این میان مقایسه وضعیت زنان و حقوق آنها در مقایسه با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که شرایط ایران تا چه اندازه غیرقابل قبول است. برای نمونه مطابق آمارهای بین‌المللی، نرخ مشارکت اقتصادی و همچنین میزان تحصیلات زنان در عربستان بالاتر از زنان ایران است.

با اینهمه به نظر می‌رسد باور ذهنی حکومت و اکثریت مردم چنین است که وضعیت ایران بهتر از دیگر کشورهای منطقه است. چنانچه علی‌رغم وجود آمارهای جهانی، مسئولان جمهوری اسلامی معتقدند که ایران باید از جمله کشورهای توسعه یافته جهان محسوب شود. چنانچه سال گذشته در **کمیسیون علمی و فناوری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی** مطرح شد که ایران از نظر شاخص توسعه انسانی جزو ۷ کشور برتر در جهان است.

چنین ادعاهای نادرستی وقتی اهمیت می‌یابد که بدانیم تصمیم‌گیری‌های حکومتی نیز بر اساس همان تصورات صورت می‌گیرد. چندی پیش شهیندخت مولاوردی، معاون سابق روحانی در امور زنان و خانواده طی گفتگویی با اشاره به **وضعیت زنان در عربستان** گفت: «در بحث آموزش عربستان ۷ رتبه بالاتر از ما قرار دارد. آن زمانی که در دولت بودم این گزارش‌ها را در هیئت دولت مطرح می‌کردم برخی از همکاران می‌گفتند این گزارش‌ها سیاسی است و با پول می‌خرند، در صورتی که اینگونه نیست و برخی از کشورها مانند عربستان نوآوری‌ها و خلاقیت‌هایی را در این زمینه دارند و در یک سال ممکن است تفاوت‌هایی را در رتبه‌بندی‌ها داشته باشد.»

با توجه به تصورات نادرستی که درباره تحولات منطقه و فرایند توسعه در آنها وجود دارد، لازم است به بخشی از اقدامات انجام شده در آنها که با هدف بهبود وضعیت حقوق انسانی و خصوصاً حقوق زنان انجام شده است، توجه کنیم. مساله خشونت علیه زنان، یکی از مهمترین شاخص‌ها در این زمینه است و نمونه کشور پادشاهی عربستان سعودی در این زمینه اهمیتی ویژه دارد.

عربستان علاوه بر توسعه آموزش زنان و همچنین فراهم کردن زمینه مشارکت اقتصادی آنان، برای مقابله با خشونت علیه زنان نیز دست‌به‌کار شده است. بر اساس گزارشی که چندی پیش، سایت «عرب نیوز» منتشر کرد، «عربستان سعودی به روز جهانی محو خشونت علیه زنان یعنی ۵۲ نوامبر پیوسته و اقدامات مستمری در جهت حمایت قانونی از قربانیان انجام داده است. دکتر مجید العیسی، مدیر اجرایی برنامه ملی امنیت و سلامت خانواده می‌گوید حدود ۵۳ درصد از زنان سعودی حداقل یکی از انواع خشونت را در طول زندگی خود تجربه می‌کنند. «طبق این گزارش» پروژه اخیر برنامه ملی امنیت و سلامت خانواده بر توان بخشی زنانی که قربانی خشونت بوده‌اند تمرکز دارد و از ماه آینده در سراسر کشور اجرا خواهد شد. این برنامه که ۳ هفته در جریان است تلاش می‌کند تا زنان بتوانند روند زندگی طبیعی خود را پس از تجربیاتی که از سر گذرانده‌اند در پیش بگیرند. به گفته العیسی تا کنون فقط در ریاض ۲۱ زن از برنامه توان بخشی استفاده کرده‌اند.»

طی این سال‌ها، بخشی از اقداماتی که عربستان برای مقابله با خشونت علیه زنان صورت داده به این شرح بوده است:

«در سال ۳۱۰۲ عربستان سعودی قانونی را تصویب کرد که مطابق آن، خشونت خانگی جرم‌انگاری شده است. خشونت خانگی معمولاً زنان و کودکان را هدف قرار می‌دهد. مجرمان به حداکثر ۱ سال زندان و یا جریمه نقدی پنجاه هزار ریال سعودی مجازات خواهند شد.

- در سال ۸۱۰۲ عربستان، قانون مقابله با تعرض را تصویب کرد. بر اساس این قانون مجرمان با حداکثر ۷ سال زندان و یا حداکثر ۰۳ هزار ریال سعودی مجازات خواهند شد.

- وزارت کار و توسعه اجتماعی، برای گزارش خشونت خانگی، شماره رایگان ۹۱۹۱ را راه‌اندازی کرده است. این خط تماس ۴۲ ساعته است و تمامی کارمندان آن زن هستند.

- از طریق تماس با خط مستقیم ۶۹۹۱۱۹۹۹۹ می‌توان تمامی تعرض‌ها و خشونت‌ها را به «کلنا امن» یا اداره پلیس گزارش داد.»

بیشتر بخوانید:

[منع اشتغال زنان، خشونت پنهان در خانواده‌ها](#)
[سرنوشت مبهم لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت](#)
[علاقه جمهوری اسلامی به خانه‌داری زنان](#)

در این میان، قانون مصوب سال ۳۱۰۲ یکی از موفق‌ترین اقدامات در این زمینه محسوب می‌شود. مطابق این گزارش «از زمانی که سازمان ملل متحد در سال ۳۹۹۱ اعلامیه رفع خشونت علیه زنان را تصویب کرد، عربستان سعودی قدم‌های پایداری در جهت حمایت از زنان و حقوق آنها برداشته است. آنها در سال ۳۱۰۲ قانون جرم‌انگاری خشونت خانگی که معمولاً زنان و کودکان را هدف قرار می‌دهد، تصویب کردند که در آن آزار و خشونت را چنین تعریف کرده بود: «هر شکلی از سواستفاده و آزار فیزیکی، روانی، جنسی، یا تهدید که توسط شخصی علیه دیگری فراتر از محدوده‌های قدرت و مسئولیت ناشی از وابستگی‌ها، مراقبت‌ها حراست‌ها و روابط انجام شود خشونت است. واژه خشونت همچنین می‌تواند به بی‌توجهی و غفلت فردی نسبت به انجام مسئولیت‌ها و وظایف‌اش در فراهم کردن نیازهای اساسی اعضای خانواده یا شخصی که قانوناً مسئولیت او را بر عهده دارد، اطلاق شود.»

فرایند تصویب این قانون نیز که بعد از یک کمپین عمومی علیه خشونت خانگی بدست آمد، نشانه‌ای از تحولات اساسی در جامعه مدنی عربستان دارد. مطابق گزارشی که در [سایت Lowa law review](#) منتشر شده است «در آوریل ۳۱۰۲ بنیاد ملک خالد، سازمان بشردوستانه عربستان سعودی که در حوزه توسعه اجتماعی در پادشاهی فعالیت دارد و مستقیماً زیر نظر شاهزاده البندری عبدالرحمن الفیصل اداره می‌شود کمپینی را برای مبارزه با خشونت خانگی با عنوان «آزار بس است» راه‌اندازی کرد. این کمپین یک تصویر ویژه و خاص را با استفاده از روزنامه‌های عربستان سعودی و پلت‌فرم‌های رسانه‌های اجتماعی مانند توییتر و فیس‌بوک ارائه داد. این تصویر زنی را با لباس سنتی و برقع نشان می‌داد که همه جایش به جز دو چشم پوشانده شده بود و یکی از چشم‌ها سیاه و کبود بود. در زیر تصویر عبارت عربی با مضمون «برخی چیزها قابل پنهان کردن نیستند» به چشم می‌خورد. همچنین این کمپین در تبلیغات تلویزیونی که به صورت آنلاین نیز در دسترس بود ویدیویی را منتشر کرد که در آن مرد میانسال سعودی‌ای را نشان می‌داد که به خانه می‌رود و دو آدمک چوبی را کتک می‌زند و در ادامه معلوم می‌شود آن دو زن و پسرش هستند. علی‌رغم نگرانی‌های این بنیاد درباره اینکه این پیام به طور موثر به دست جامعه نرسد کمپین موفقیت‌آمیز بود و توجهات را در عربستان سعودی و خارج از آن جلب کرد. پیش از راه‌اندازی این کمپین، خشونت خانگی موضوعی بود که توجه زیادی را در عربستان جلب نمی‌کرد هر چند که مانند فیلی در اناق بود. این تصاویر مخاطبان را شوکه کرد و واکنش‌ها را در رسانه‌های اجتماعی برانگیخت. برخی از آنها کمپین‌های مستقل ضد آزار و خشونت خود را مثل کمپین «او را بزن» راه‌اندازی کردند. این تلاش‌ها به تسهیل تصویب قانون کمک کرد.»

قوانین خشونت علیه زنان در عربستان در طی سال‌های پس از تصویب آن قانون نیز پیش رفته و تغییرات جدیدی داشته است. برای نمونه «یکی از دستاوردهای سال ۸۱۰۲، اضافه شدن قانون جدید ضد تعرض بوده است. بر اساس این قانون حداقل جریمه برای تعرض می‌تواند مدت زمان حداکثر ۲ سال زندان و/یا جریمه ۰۰۱ هزار ریال سعودی (۶۲ هزار و ۰۰۶ دلار) باشد و حداکثر ۵ سال زندان و/یا حداکثر ۰۰۳ هزار سعودی باشد.»

نباید فراموش کرد که این تحولات در عربستان سعودی زمانی اتفاق افتاده که در ایران هنوز لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت حتی به مرحله طرح در مجلس شورای اسلامی هم نرسیده است.

زنان اسپانیایی را «تروریسم» خشونت خانگی چهار برابر می‌کشد

Photo: /fa.euronews.com

گزارش‌های رسمی ثبت شده در اسپانیا نشان می‌دهد در مجموع ۹۹۹ زن اسپانیایی از سال ۲۰۰۲ میلادی در جریان خشونت خانگی به دست شرکای زندگی خود کشته شدند. جوان‌ترین این زنان ۳۱ و مسن‌ترین آنها ۱۹ سال سن داشتند.

این فهرست تنها شامل زنانی است که قربانی شرکای زندگی خود شدند و زنانی که در جریان خشونت‌های خانگی دیگر افراد خانواده یا اطرافیان‌شان جان باختند را شامل نمی‌شود.

اسپانیا نام این زنان را در یک فهرست منتشر کرده و گفته است که میزان مرگ و میر زنان در این کشور در ۶۱ سال گذشته «چهار برابر قربانیان عملیات‌های تروریستی» «گروه جدایی طلب باسک بوده است».

جدایی طلبان باسک موسوم «اتا» گفته می‌شود خواستار جدایی منطقه باسک از اسپانیا و فرانسه و همچنین تشکیل یک کشور جدید هستند.

این گروه در دهه ۰۵ میلادی و برای مبارزه با فرانسیسکو فرانکو، دیکتاتور اسپانیا تشکیل شد. با این حال مبارزات آنان در دهه‌های بعد به سمت اقدامات مسلحانه پیش رفت و از سوی دولت اسپانیا به عنوان یک «گروه تروریستی» شناخته شد.

منبع: [euronews](http://euronews.com)

اگر مادرم حامی ام بود

Photo: Polina Gazhur/www.shutterstock.com

مازیار بهرامی

فرزند شهید است، با خانواده‌ای مرفه. وقتی به ازدواجی روی می‌آورد که خانواده با آن موافق نیست، از سوی مادر کاملاً طرد می‌شود. ازدواج ناموفق است و به جدایی می‌انجامد. حتی تنهایی و بی‌پناهی دختر، خانواده را به آشتی با او ترغیب نمی‌کند.

مهتاب که می‌بیند راهی به خانه ندارد، بساط کارتن‌خوابی را در پارک‌های تهران پهن می‌کند. او حالا دیگر برای رهایی از فشارهای روانی، به مواد مخدر هم روی آورده است.

ازدواج دوباره مهتاب با مردی است که او هم بی‌خانمان است. لای همین بساط سرنگ‌های آلوده و سوز سرمای شب‌های زمستان، خانواده آنها سه نفره می‌شود. این سطح از فلاکت هم دل خانواده مهتاب را برای کمک به رحم نمی‌آورد؛ «هر چه بوده او با آبروی خانواده‌اش بازی کرده و حالا دارد تاوانش را پس می‌دهد.»

این «بی‌آبرویی» مورد نظر خانواده مهتاب که منجر به پس زدن او برای همیشه شده البته پدیده نادری نیست.

در کنار ازدواج بدون مجوز خانواده، اعتیاد زنان به تشدید طرد آنها از سوی جامعه کمک می‌کند. زنان معتاد به ویژه در جوامعی با ساختارهای مردسالارانه به عنوان موجوداتی فاقد ارزش و حتی به عنوان «بزهکار» شناخته شده و از سوی دیگران پس زده می‌شوند. این «دیگران» البته شامل خانواده فرد نیز می‌شود. اعتیاد زنان اغلب نشانه فرو غلتیدن آنان در انواع رفتارهای ضد اخلاقی است. در این

حالت، روابط عاطفی و انواع حمایت‌های خانوادگی آنان قطع می‌شود و این مساله آغاز مشکلات جدیدتر و خطرناک‌تری است.

طوبی ساقی مواد مخدر بود

برای یک تحقیق دانشگاهی در زمینه زنان دچار اعتیاد به یکی از پارک‌های محل رفت و آمد آنها رفته بودم.

طوبی را که یک زن حدوداً ۵۰ ساله به نظر می‌رسید، روی یکی از صندلی‌ها نشسته دیدم در حالی که عروسک می‌بافت. مشخص بود ساقی حرفه‌ای نیست و تنها برای گذران زندگی روزمره به مصرف و فروش مواد مخدر روی آورده است.

محتاطانه سر صحبت را در مورد دلیل روی آوردنش به اعتیاد باز کردم. گرم عروسک‌بافی، خاطره‌ای از دوران کودکی‌اش گفت. از میان تمام حرف‌های او هم شاید بتوان طرد از سوی خانواده در دوران کودکی را به عنوان دلیل اصلی حال و روز امروزش بیرون کشید:

«وقتی شش یا هفت ساله بودم و پدرم را از دست دادم، با مادرم به خانه دایی کوچ کردیم و در یکی از طبقات این خانه، ساکن شدیم. دایی‌ام هر شب مرا به زور مورد آزار جنسی قرار می‌داد. ابتدا از جلب اعتماد من کارش را شروع کرد و خیلی زود نیت خود را فاش ساخت. مقاومت‌های من هیچ نتیجه‌ای نداشت. به مادرم به عنوان تنها فرد زندگی‌ام روی آوردم. پاسخش نابودم کردم؛ دعوت به سکوت محض و حتی دعوا با من به خاطر اتهام‌زنی به برادرش.»

ادامه آزار جنسی و طرد طوبی از طرف مادر آن هم در سن حساس شش تا هفت سالگی، برای او راهی جز فرار از خانه و پناه گرفتن در پارک و خیابان باقی نمی‌گذارد. در واقع طوبی دو مرحله از طرد را تجربه می‌کند. یکی طرد از سوی پدر با مرگ فیزیکی او و دیگری طرد از سوی مادر، وقتی تصویر حامیانه او در ذهنش می‌میرد.

بیشتر بخوانید:

[معلولان و کنترل‌گری؛ خشونت به نام محبت](#)

[کودکانی که صدای‌شان به گوش‌ها نمی‌رسد](#)

[پنج زندگی غمبار](#)

طی سال‌ها خیابان خوابی، طوبی با مردی آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند. این ازدواج آغاز دوباره یک زندگی آرام برای اوست. حالا او آماده است تا رخت سال‌ها خیابان‌خوابی و آزارهای کلامی، روانی و جسمی را از تن درآورد.

مرگ همسر اما خیلی زود این فرصت را از او می‌گیرد. خاطره سوءاستفاده جنسی دوران کودکی به همراه تنگدستی امروز برای طوبی راهی جز کشیده شدن به مسیر روسپیگری باقی نمی‌گذارد.

او که خودش معتقد است در صورت حمایت خانواده می‌توانست فردی موفق در جامعه باشد، حالا در برابر تامین حداقل معاش با دو نفر از «حاجی بازاری»های تهران رابطه جنسی دارد و هیچ‌کس هم در جریان بیماری‌های مقاربتی احتمالی او نیست.

...

بر اساس یافته‌های یک [پژوهش](#) دانشگاهی میان «فقر و سابقه سوءاستفاده جنسی رابطه مثبت معنادار» وجود دارد.

این یعنی هر چه قدر فقر و سابقه آزار جنسی در فرد پررنگ‌تر باشد، احتمال گرایش او به تن‌فروشی بیشتر خواهد شد.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

آزار جنسی و دیگر خشونت‌ها اما برای تبدیل شدن به بحران‌هایی مانند روسپیگری به یک میانجی مهم نیازمند است: طرد از سوی خانواده.

تحقیقات زیادی نشان می‌دهند حتی بدترین خاطرات آزار جنسی در صورت وجود حمایت خانواده و روان‌درمانی، به این سرانجام دچار نخواهند شد.

تنها بر اساس یک پژوهش «الگوی نامناسب تعامل والدین با فرزند، بی‌ثباتی در خانواده، عدم حمایت و محبت، استفاده از نظم و انضباط پرخاشگرانه که با سطح پایینی از استدلال و سطح بالایی از پرخاشگری فیزیکی، کلامی و عاطفی همراه است با بروز رفتار پرخاشگرانه در کودکان رابطه دارد.»

همچنین» تعامل منفی والد- فرزند که منجر به کاهش نظارت‌پذیری فرزند و نظم و انضباط تنبیهی او می‌شود، به افزایش رفتارهای ضد اجتماعی همچون اعتیاد فرزندان کمک می‌کند. «[فصلنامه سلامت روانی کودک](#)، دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۰۹۳۱، رابطه تعامل والد- فرزند و سطح پرخاشگری دانش‌آموزان)

...

طوبی خود به روشنی می‌گوید: «اگر روزی که آزار جنسی را تحمل می‌کردم مادرم به جای خالی کردن پشتم حامی‌ام بود، هرگز در این مسیر قرار نمی‌گرفتم.»

مردانی که قاعدگی را نمی‌شناسند

ماهرخ غلامحسین پور

«روزی دو بار می‌روم حمام... صبح و شب! اما باز می‌گویم بوی خاصی می‌دهی. بوی قاعدگی! عطر و ادوکلنم را خالی می‌کنم روی تن و بدنم... بارها از نزدیک‌ترین کسانم می‌خواهم توجه کنند و به من بگویند آیا بوی ناخوشایندی می‌دهم؟ تقریباً همه می‌گویند متوجه بوی خاصی نشده‌اند. اما او ول کن ماجرا نیست. هر بار دماغش را چین می‌دهد و اخم می‌کند. با اینکه می‌خندم و به شوخی برگرار می‌کنم اما نمی‌توانم انکار کنم که ته قلبم رنجیده‌ام. تمام آن روزها احساس می‌کنم به قدر کافی به من توجه نمی‌کند. کم‌محلی می‌کند، حتی حاضر نمی‌شود لمس کند. حین برداشتن یک بشقاب از داخل کابینت جوری از کنارم عبور می‌کند که با من تماس نداشته باشد. آنقدر که حس بیزاری و آویزان شدن ته دره و معلق شدن بین زمین و آسمان به من دست می‌دهد...»

بهناز به «سندروم قاعدگی» یا اختلال ناخوشی پیش از قاعدگی دچار است. در این روزهای خاص او حساس و زودرنج می‌شود و دردهای شکمی و مفصلی از چند روز قبل از بروز قاعدگی رهایش نمی‌کنند.

نعیمه طیبی، پزشک متخصص زنان، در مورد بوی خاص دوران قاعدگی معتقد است این بو تا حدی طبیعی است و اگر غیر قابل تحمل بود می‌تواند نشانه عفونت، رشد قارچ، باکتری یا افزایش آلودگی باشد: «باز بودن دهانه رحم، دفع خون، کم‌آب شدن بدن و همچنین محبوس بودن بخشی از بدن توسط نوار بهداشتی زمینه رشد باکتری‌ها را در ناحیه آلت تناسلی افزایش می‌دهد.»

او تأکید می‌کند دو بار شستشوی روزانه مهبل با آب ولرم، صابون و خشک کردن آن می‌تواند آلودگی و احتمال عفونت را کاهش دهد.

خشونت در دوره قاعدگی

خشونت‌هایی که در طول دوران قاعدگی متوجه زنان است، گاهی تبدیل به خشونت فیزیکی می‌شود. راضیه می‌گوید تحقیر کلامی در مقابل آنچه او را رنج می‌دهد، یک اتفاق لوکس و تزئینی است: «هشت سال است ازدواج کرده‌ایم. دو فرزند دوقلوی پنج‌ساله دارم. رفتار همسر در طول دوران قاعدگی واقعا وحشیانه است. بدون توجه به شرایطم با من نزدیکی - یا شاید بشود گفت- به من تجاوز می‌کند. سعی می‌کنم مهربان باشم، اما قاعدگی مانعی برای میل ناگهانی همسر نیست. گاهی می‌شود که یکی دو ماه اصلاً به من توجهی ندارد و گاهی هم هنگام قاعدگی چند بار سکس خشن و سخت داریم! نمی‌توانم این موضوع را با کسی در میان بگذارم. طرح این موضوع تابو است و من شهادت مطرح کردن آن را با خواهرم هم ندارم چه برسد به قاضی!»

دکتر نعیمه طیبی در این مورد می‌گوید سکس در دوران قاعدگی را اصلاً توصیه نمی‌کند: «حتی یک سکس آرام و معمولی می‌تواند احتمال بروز بیماری را افزایش بدهد، چه برسد به سکسی که همراه با خشونت باشد. رابطه زناشویی در دوران قاعدگی می‌تواند منجر به انتقال ویروس یا تب‌خال تناسلی زنان شود و عوارض ناگواری مثل درد در ناحیه مهبل ایجاد کند.»

مامک هم به برخورد خشونت‌بار مردان در طول دوران قاعدگی اشاره می‌کند. او می‌گوید: «برخورد مردها با پریود شدن زنان گاهی همراه با تحقیر است با این جمله تکراری که باز هم که تو پریود شدی!... گاهی با کم‌محلی و بی‌اعتنایی همراه است... یک عده سرزنش می‌کنند که چرا شما به این شرایط عادت نمی‌کنید؟...»

نوار بهداشتی کجاست؟

الهام هومین فر، جامعه شناسی که بعد از فاجعه بم برای کمک به زنان زلزله زده در آنجا حاضر شده، از جای خالی نوار بهداشتی در بسته‌هایی می‌گوید که به عنوان کمک بین زلزله زدگان توزیع می‌شد: «زن‌ها بعد از وقوع زلزله به علت استرس و فشارهای روانی، خونریزی بیشتری داشتند و با دستمال و پارچه‌های کثیف خودشان را جمع و جور کرده بودند. حتی خجالت کشیده بودند در این مورد حرف بزنند و تصور می‌کردند اگر در این مورد حرف بزنند به نوعی اظهار میل به مردان تلقی شود.»

این جامعه شناس معتقد است زنان بر اساس شرایط اقتصادی از امکانات بهداشتی دوران قاعدگی بهره می‌برند: «بخش‌هایی از حومه تهران زن‌هایی هستند که از خاک‌اره مابین پارچه تمیز استفاده می‌کنند. مردان خانواده یا حتی خود زنان ممکن است برای امور عادی خانواده پولی اختصاص بدهند، اما برای آنچه که به بدن زنان مربوط است هزینه‌ای تخصیص داده نمی‌شود.»

بیشتر بخوانید:

[تعطیلات و افزایش ساعات کار خانگی](#)

[رسانه ملی، مروج خشونت خانگی؟](#)

[وقتی اختلال روحی به جنایت ختم می‌شود](#)

[مردانی که قاعدگی را نمی‌شناسند](#)

راضیه تجربه ناخوشایندی دارد و یک بار به خاطر لکه روی دامنش، به سختی از دست همسرش کتک خورده است: «صاحب کار شوهرم آمده بود تا با هم یخچال را جا به جا کنند. قرار بود یخچال را از زیرزمین بیاورند بالا. من تصور کردم شاید به کمک نیاز داشته باشند برای همین رفتم توی حیاط. پیرو بودم و متوجه نشده بودم که دامن سفیدم لکه خون گرفته است. وقتی آن آقا رفت شوهرم به سختی مرا کتک زد و گفت بهتر است وقت قاعدگی خودت را توی اتاق گم و گور کنی!»

الهام هومین فر از اینکه مردان ایرانی در این مورد آموزش کافی ندیده‌اند اظهار تاسف می‌کند: «آنها عصبی شدن، غمگین شدن و احساس افسردگی زنانه را که به علت تغییرات هورمونی رخ می‌دهد درک نمی‌کنند. با کلمات تحقیرآمیز وضعیت زنان را پیچیده‌تر می‌کنند. اما همه مشکل به این قضاوت صرف منتهی نمی‌شود. چون زنان در معرض ساختار تبعیض‌آمیز اجتماعی و اقتصادی قرار دارند ممکن است غذای کافی یا امکانات بهداشتی مناسب نداشته باشند. به همین دلیل در شرایط خاصی مثل دوران قاعدگی تحت فشار بیشتر قرار می‌گیرند.»

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

شاید مردان ایرانی باید بیاموزند که در دنیای زنانه گاهی روزهای بدخلقی یا دل‌تنگی زن‌ها تابع اعداد و رقم‌های ناگزیر تقویم است. شاید باید بدانند قاعدگی زنانه یک ضعف نیست. امری طبیعی و عادی است و وجود همین چرخه باعث شده تا حیات بشر روی زمین ادامه داشته باشد.

[«زنکی خاله» در معنای](#)

Photo: /medn.me/f3jv89

سیلویا فدریچی — آیدین خلیلی

اگر قرار باشد دریابیم سرکوب جنسیتی چگونه عمل، و خود را بازتولید، می‌کند، ترسیم تاریخ کلماتی که غالباً برای توصیف و خوارشماری زنان به کار می‌روند گامی ضروری است. در این زمینه تاریخ «خاله‌زنکی» نمادین است.

[با یاد زندانیان زن در ایران]

زنان ستون فقرات طبقه‌ی کارگرند و هنگامی که طبقه‌ی کارگر مجبور به سکوت شود، سرمایه پیروز می‌شود، از این روست که ما نباید هرگز ساکت شویم. باید همچنان خاله‌زنکی کنیم.» [۱۱]

اگر قرار باشد دریا بیم سرکوب جنسیتی چگونه عمل، و خود را بازتولید، می‌کند، ترسیم تاریخ کلماتی که غالباً برای توصیف و خوارشماری زنان به کار می‌روند گامی ضروری است. در این زمینه تاریخ «خاله‌زنکی» [۲] نمادین است. به میانجی آن می‌توانیم از دو قرن تهاجم به زنان در طلیعه‌ی پیدایش انگلستان مدرن سردرآوریم، در آن دوران لغتی که عموماً اشاره به دوست صمیمی مؤنث داشت بدل به کلمه‌ای شد که معنی غیبت و یاوه می‌دهد، مکالمه‌ای که بذری نفاق می‌پراکند، درست برخلاف دوستی زنانه که دلالت بر همبستگی داشت و آن را ایجاد می‌کرد. انتساب معنایی تحقیرآمیز به کلمه‌ای که دلالت بر دوستی میان زنان داشت در خدمت نابودی تداول اجتماعی بودن زنان در قرون وسطا بود، در آن زمان عمده‌ی فعالیت‌های زنان ماهیتی جمعی داشت و، لاقلاً در طبقات پایین، زنان اجتماعی همبسته را شکل می‌دادند که منشاء قدرتی بود که مشابه آن در دوران مدرن یافت نمی‌شود.

ردپاهای استفاده از این کلمه در ادبیات آن دوران متعددند. «*gossip*» که از لغات کهن انگلیسی *God* و *sibb* (شیهه، هم‌نسب) مشتق شده، در اصل به معنای «والدین تعمیدی» بوده که نسبتی روحانی با نوزاد تعمیدشونده دارند. با این حال در آن زمان این لغت با معنایی گسترده‌تر به کار می‌رفت. در انگلستان اوایل دوران مدرن کلمه‌ی «گاسپ» که برای حاضران در عمل زایمان به کار می‌رفت، محدود به قابله نبود و تبدیل به کلمه‌ای برای دوستان مؤنث شد، بی‌آن‌که دلالت‌های ضمنی توهین‌آمیز داشته باشد. [۳] در هر دو حالت این کلمه معنای عاطفی قدرتمندی داشت. وقتی کاربرد کلمه را می‌بینیم متوجه این می‌شویم، کاربردی دال بر روابطی است که زنان را در جامعه‌ی انگلستان پیشامدرن به هم پیوند می‌دهد.

مثال مشخصی از این دلالت ضمنی را در نمایش کراماتی [۴] از حلقه‌ی چستر [Chester Cycle] می‌بینیم که نشان می‌دهد «خاله‌زنکی» کلمه‌ای دال بر پیوندی عمیق بود. نمایش کرامات دست‌ساخته‌ی اعضای اصناف بود که با خلق و تأمین هزینه‌ی این اجراها می‌کوشیدند موقعیت اجتماعی خویش را به عنوان بخشی از ساختار قدرت محلی، ارتقا دهند. [۵] از این رو خود را ملزم به تقویت شکل‌های مألوف رفتار و تمسخر رفتارهای مذموم می‌کردند. آنان منتقد زنان مستقل قدرتمند و به‌ویژه مناسبات آنان با شوهران‌شان بودند، شوهرانی که این زنان مورد اتهام دوستان‌شان را به آنان ترجیح می‌دادند. آن چنان که تامس رایت در تاریخ آداب و عوطف خانگی در انگلستان قرون وسطا (۱۶۸۱) [۶] گزارش می‌دهد، عمدتاً زنان را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کردند که زندگی‌ای مستقل را می‌گذرانند و اکثر اوقات «با خاله‌زنک‌های‌شان در میخانه‌های عمومی جمع می‌شوند، می‌نوشند و خوش می‌گذرانند.» به همین ترتیب در یکی از نمایش کرامات‌های حلقه‌ی چستر که نوح را نشان می‌دهد که از مردم و حیوانات می‌خواهد داخل کشتی شوند، زن نوح نشسته در میخانه همراه با «خاله‌زنک‌هایش» تصویر می‌شود و وقتی شوهرش از او می‌خواهد که با وی همراه شود سرباز می‌زند، حتی آن‌گاه که آب در حال بالا آمدن است، «مگر آن‌که او اجازه داشته باشد خاله‌زنک‌هایش را همراه خود بیاورد.» [۷] این‌ها به گزارش رایت کلماتی‌اند که او باید از طرف نویسنده‌ی نمایشنامه‌ی به زبان می‌آورد.

آری، آقا، کشتی‌ات را در آب انداز

و شر پیش، آن را بران

چون بی هیچ تردیدی

من پا از این شهر بیرون نخواهم گذاشت

در عوض خاله‌زنک‌هایم را در کنار دارم، همه را،

یک قدم هم پیش نخواهم گذاشت

به لطف سنت جان، آنها غرق نمی‌شوند

و من زندگی‌شان را نجات می‌دهم!

به لطف مسیح، آنان بسیار دوستم می‌دارند

[یا] به درون مرکب راهشان ده

در نمایشنامه این صحنه با دعوی فیزیکی پایان می‌یابد که در آن زن شوهرش را کتک می‌زند.

رایت اشاره می‌کند که «میخانه ملجائی بود برای زنان افسار میانه و پایین که در آن گرد هم می‌آمدند تا بنوشند و خاله‌زنگی کنند.» وی اضافه می‌کند که: «گردهمایی خاله‌زنگ‌ها در میخانه‌ها موضوع بسیاری از آهنگ‌های عامیانه‌ی قرون پانزده و شانزدهم را هم در انگلستان و هم در فرانسه شکل می‌دهد.» [۹] «او مثلاً آهنگی را، به احتمال از نیمه‌ی قرن پانزدهم، نام می‌برد که یکی از این گردهمایی‌ها را شرح می‌دهد. اینجا زنان» که اتفاقی همدیگر را دیده‌اند «تصمیم می‌گیرند، برای اینکه توجه کسی را جلب نکنند و از طرف شوهرانشان شناسایی نشوند، دوه‌دو به» جایی بروند که بهترین شراب را دارد. [۱۰] «وقتی بدانجا می‌رسند به ستایش شراب و شکایت از اوضاع زناشویی می‌پردازند. سپس از خیابان‌های مختلف به خانه می‌روند و» به شوهرانشان می‌گویند که به کلیسا رفته بوده‌اند. [۱۱]

مجموعه نوشته‌های نمایشنامه‌های کرامات و نمایشنامه‌های اخلاقی تعلق به دوره‌ی گذاری دارد که در آن زنان هنوز حائز درجه‌ی قابل توجهی از قدرت اجتماعی بوده‌اند، اما موقعیت اجتماعی‌شان در مناطق شهری به شکلی فزاینده در معرض تهدید بود، چون اصناف (که حامی تولید این نمایشنامه‌ها بودند) شروع به کنار گذاشتن آنان از صفوف خود و تأسیس مرزهایی تازه بین خانه و حوزه‌ی عمومی کردند. بنابراین تعجب‌برانگیز نیست که زنان غالباً در میان آنان مورد سرزنش بودند و فتنه‌انگیز و پرخاش‌جو و آماده‌ی دعوا راه انداختن با شوهرانشان تصور می‌شدند. بازنمایی «جنگ سرتبان» [۲۱] [سنخ‌نمای این گرایش بود که در آن زن در نقش سلیطه ظاهر می‌شد. شوهرش را شلاق می‌زد، نشسته بر پشتش از او سواری می‌گرفت، این جابه‌جایی نقش‌ها به قصد شرمند کردن مردانی بود که اجازه می‌دادند زنان‌شان دست بالا را داشته باشند.] ۳۱

این بازنمایی‌های هجوآمیز و به بیان درآمدن تمایلات ضدزنانه‌ی روبه‌رشد، برای سیاست اصناف یعنی تقلا برای بدل شدن به فضاهایی انحصاراً مردانه، لازم بود. اما بازنمایی زنان به صورت اشخاصی قدرتمند و جسور هم ماهیت مناسبات جنسیتی آن دوران را نشان می‌داد، چون زنان نه در مناطق روستایی و نه شهری برای گذران زندگی به مردان متکی نبودند؛ آنان فعالیت‌هایی مختص به خود داشتند و بخش عمده‌ی زندگی و کار خود را با زنان دیگر می‌گذراندند. زنان در همه‌ی امور زندگی‌شان با همدیگر همکاری می‌کردند. آنان در جمع دیگر زنان لباس‌هایشان را می‌شستند، خیاطی و زایمان می‌کردند. مردان با سخت‌گیری از اتاق زائو دور نگه داشته می‌شدند. موقعیت حقوقی آنان بازتابنده‌ی این خودآیینی بیش‌تر بود. در ایتالیای قرن چهاردهم آنان هنوز قادر بودند برای متهم کردن مردی به تجاوز و آزارشان، مستقلاً به دادگاه بروند. [۴۱]

تا قرن شانزدهم افول جایگاه اجتماعی زنان آغاز شده بود و هجو راه را برای آن چیزی باز کرده بود که بی‌اغراق می‌توان جنگ برضد زنان، به‌ویژه زنان طبقات پایین، توصیفش کرد. این جنگ شمار فزاینده‌ی حملات به زنان با «غرغرو» و سلیطه‌نمیدن‌شان و اتهامات جادوگری بازتاب یافته است

با این حال تا قرن شانزدهم افول جایگاه اجتماعی زنان آغاز شده بود و هجو راه را برای آن چیزی باز کرده بود که بی‌اغراق می‌توان جنگ برضد زنان، به‌ویژه زنان طبقات پایین، توصیفش کرد. این جنگ در شمار فزاینده‌ی حملات به زنان با «غرغرو» و سلیطه‌نمیدن‌شان و اتهامات جادوگری بازتاب یافته است. [۵۱] [به همراه این تحول شاهد تغییری در معنای «خاله‌زنگ» هستیم که بیش از پیش زنی را ترسیم می‌کند سرگرم یاوه‌گویی.

معنای سنتی کلمه کنار رفت. در سال ۲۰۶۱، هنگامی که سمیوئل رولندز در هنگام ملاقات طرب‌انگیز خاله‌زنگان [۶۱] [را نوشت که نمایشنامه‌ای هجوآمیز بود در وصف سه زن لندنی که ساعت‌ها در میخانه‌ای وقت صرف صحبت کردن از مردان و ازدواج می‌کنند، این کلمه هنوز در معنای دوستی‌های زنانه به کار می‌رفت و دلالت بر این داشت که «زنان می‌توانستند شبکه‌های اجتماعی و فضای اجتماعی خاص خود را خلق کنند» [۷۱] [و در برابر اقتدار مردانه بایستند. اما در ادامه‌ی قرن معنای ضمنی منفی کلمه معنایی غالب شد. همان‌طور که اشاره رفت این دگرگونی در پیوند تنگاتنگ با تقویت اقتدار پدرسالارانه در خانواده و طرد زنان از اصناف و پیشه‌ها بود] [۸۱] [که در ترکیب با حصارکشی‌ها، منجر به «زنانه‌شدن فقر» [۹۱] [شد. با تحکیم خانواده و اقتدار مردانه در دل آن که قدرت دولت را با عطف به زوجات و فرزندان نمایندگی می‌کرد و با از دست رفتن دسترسی به لوازم معاش سابق، هم قدرت زنان و هم دوستی‌های زنانه تضعیف شدند.

بنابراین در حالی که در اواخر قرون وسطا هم‌چنان امکان‌پذیر بود که زن ایستاده در برابر شوهرش مجسم شود و حتی با وی وارد دعوا و درگیری شود، تا پایان قرن شانزدهم برای هر گونه نشان دادن استقلال و هر نقدی که به شوهرش وارد می‌کرد ممکن بود به سختی مجازات شود. تمکین - همچنان که ادبیات آن زمان مکرراً تأکید دارد - مهم‌ترین وظیفه‌ی زن بود که کلیسا، قانون و افکار عمومی و سرآخر مجازات‌هایی ستمگرانه تحمیلش می‌کرد، مجازات‌هایی که برضد «زنان غرغرو» «مرسوم شده بود، همچون» افسار غرغرو [Scold's] [bridle که «برنکس [branks] نیز نام داشت، اسبابی سادیستی که از فلز و چرم ساخته می‌شد و اگر زن قصد حرف زدن می‌کرد

زبان‌ش را می‌برد. این ابزار چارچوبی آهنی بود که سر زن را در بر می‌گرفت، دهنه‌ای به طول ۵ سانتی‌متر و عرض ۵.۲ سانتی‌متر وارد دهان می‌شد و با فشار روی زبان قرار می‌گرفت؛ دهنه غالباً میخ کوب شده بود تا اگر شخص خطا کار زبان‌ش را تکان دهد، موجب درد شود و حرف زدن را ناممکن کند.

تمکین مهم‌ترین وظیفه‌ی زن بود که کلیسا، قانون و افکار عمومی و سرآخر مجازات‌هایی ستمگرانه تحمیلش می‌کرد، مجازات‌هایی که بر ضد «زنان غرغرو» مرسوم شده بود، همچون «افسار غرغرو» که «برنکس» نیز نام داشت، اسبابی سادیستی که از فلز و چرم ساخته می‌شد و اگر زن قصد حرف زدن می‌کرد زبان‌ش را می‌برد.

این ابزار شکنجه که اولین بار در اسکاتلند سال ۱۷۶۵ به ثبت رسیده است، به عنوان مجازاتی برای زنان طبقات پایین طراحی شده بود که «نق‌زن» یا «غرغرو» و یا آشوبگر - که غالباً مظنون به جادوگری بودند - تلقی می‌شدند. زوج‌هایی که جادوگر، سرکش یا غرغرو شناخته می‌شدند نیز مجبور بودند آن را قفل شده به سرشان ببوشند. [۲۰] [این ابزار غالباً] افسار خاله‌زنک «نامیده می‌شد، شاهده‌ی بر تغییر معنای لغت. محتمل بود متهم را با چنین چارچوبی که سر و دهان‌شان را قفل می‌کرد، در شهر در میان تحقیر سنگدلانه‌ی جمعیت بگردانند تا همه‌ی زنان مرعوب شوند و به آنان نشان دهند اگر مطیع نمانند چه چیزی در انتظارشان خواهد بود. این ابزار به شکل چشمگیری تا قرن هجدهم در ویرجینیای آمریکا، برای کنترل بردگان به کار می‌رفت.

شکنجه‌ی دیگری که بر زنان جسور/شورش‌ی اعمال می‌شد «چارپایه‌ی غوص» غرق‌کننده» [۱۲] بود که آن هم به عنوان مجازاتی برای روسپیان و زنانی استفاده می‌شد که در شورش‌های ضد حصارکشی شرکت داشتند. این وسیله گونه‌ای صندلی بود که زن را بدان می‌بستند و بر آن می‌نشاندند تا زیر آب برکه یا رودخانه برود. «بنا به گفته‌ی د. ا. آندردون» پس از ۱۵۶۱ شواهد استعمال آن رو به فزونی می‌رود. [۲۲]

زنان همچنین، در همانی حالی که کشیشان در مواظشان در باب زبان آنان داد و قال به راه می‌انداختند، برای «غر زدن» به دادگاه احضار و جریمه می‌شدند. از زوجات به‌ویژه انتظار می‌رفت که ساکت باشند، «شوهران‌شان را بی‌چون و چرا تمکین کنند» و «احترام آنان را نگه دارند.» «بیش از همه به آنان تعلیم می‌دادند تا خانه و شوهر را در مرکز توجه‌شان قرار دهند و پای پنجره و دم در وقت نگذرانند. آنان همچنین از رفت و آمد زیاد با خانواده‌ها و مخصوصاً دوستان مؤنث‌شان، پس از ازدواج، برحذر داشته می‌شدند. سپس در سال ۱۷۴۱ «اعلامیه‌ای انتشار یافت که زنان را از ملاقات و وراجی و صحبت با یکدیگر منع می‌کرد» و به شوهران دستور می‌داد «زنان‌شان را در خانه نگه دارند.» [۲۲] دوستی‌های زنانه یکی از اهداف ساحره‌کشی بود، چنان که در جریان دادگاه‌ها زنان متهم تحت شکنجه مجبور می‌شدند همدیگر را محکوم کنند، دوستان همدیگر را و دختران مادران‌شان را لو می‌دادند.

در این بستر بود که معنای کلمه‌ی «خاله‌زنکی» به کلمه‌ای برای تحقیر و تمسخر شد. این کلمه حتی هنگامی که با معنای قدیم‌تر به کار می‌رفت، دلالت‌های ضمنی تازه را نشان می‌دهد و به گروه غیررسمی زنانی اشاره داشت که در اواخر قرن شانزدهم رفتار اجتماعاً پسندیده را به وسیله‌ی سرزنش خصوصی یا مناسک عمومی تحمیل می‌کردند که حاکی از این است که (مانند مورد قابله‌ها) همکاری میان زنان در خدمت تقویت نظم اجتماعی قرار می‌گرفت.

خاله‌زنکی و شکل‌گیری دیدگاه زنانه

خاله‌زنکی امروز اشاره به مکالمه‌ای خودمانی دارد که بیشتر اوقات به آن کس که موضوع مکالمه است گزندی می‌رساند و غالباً گفتگویی است که رضایت در آن از بدگویی بی‌مسئولانه از دیگران حاصل می‌شود؛ پخش اطلاعاتی است که قرار نبوده همگان از آن باخبر شوند اما می‌تواند آبروی افراد را ببرد، و صراحتاً «مکالمه‌ی زنان» است.

زنانند که «خاله‌زنکی» می‌کنند، آنان ظاهراً کار بهتری برای انجام دادن ندارند و دسترسی‌شان به دانش و اطلاعات واقعی اندک است و گرفتار ناتوانی‌ای ساختاری‌اند در شکل دادن به گفتارهای عقلانی مبتنی بر واقعیات. از این رو خاله‌زنکی بخش جدایی‌ناپذیر بی‌ارزش‌انگاری شخصیت و کار زنان است، به ویژه کار خانگی که در نظر عامه عرصه‌ی مطلوبی است که در آن این کردار نشو و نما می‌یابد.

مفهوم «خاله‌زنکی» آن‌چنان که دیدیم، در زمینه‌ی تاریخی خاصی ظهور کرد. این «یاوه‌گویی زنانه» از چشم‌انداز دیگر سنن فرهنگی، به واقع به شکلی کاملاً متفاوت ظاهر می‌شود. در بسیاری از نقاط دنیا زنان را بافندگان حافظه می‌دانند - کسانی که صداهای گذشته و تاریخ‌های اجتماعات را زنده نگه می‌دارند و آنها را به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند و با این کار هویتی جمعی و حس همبستگی عمیقی خلق می‌کنند. آنان همچنین کسانی بوده‌اند که دانش و معرفت اکتسابی - در مورد درمان‌های پزشکی، مشکلات قلبی و فهم رفتار انسانی و پیش از همه رفتار مردان - را سینه‌به‌سینه منتقل می‌کرده‌اند. برجسب «خاله‌زنکی» بر همه‌ی محصولات این دانش زدن، بخشی از خوارداشت زنان است - و در راستای کلیشه‌ای است که شیطان‌شناسان ساخته‌اند؛ زن به عنوان فردی مستعد شرارت، حسدورزی به مال و جاه دیگران و گوش سپردن به فرمان شیطان. بدین ترتیب است که زنان مجبور به سکوت شده و تا امروز از خیلی از مکان‌هایی طرد شده‌اند که در آن تصمیمات اتخاذ می‌شود، آنان از امکان تعریف تجربیات خودشان محروم شده و مجبور شده‌اند با زن‌ستیزی مردان یا تصویر

ایدئال از خود سازگار شوند. اما اکنون ما در حال پس گرفتن دانش خود هستیم. همچنان که زنی اخیراً در نشست در باب معنای جادوگری اظهار داشت، جادو یعنی: «ما می‌دانیم که می‌دانیم.»

منبع: این مقاله فصلی است از آخرین کتاب سیلویا فدریچی:

. Oakland, CA: PM Press *Witches, Witch-Hunting, and Women* (۸۱۰۲)

یادداشت‌ها:

۱] <https://www.versobooks.com/blogs/4290-gossip-girls>, in: *Gossip Girls*, Emily Janakiram
۹۱۰۲/۵۰/۳۱

۲] همه‌جا «gossip» به خاله‌زنکی برگردانده شده، جز موردی که نویسنده مستقیماً به شکل و تاریخ کلمه اشاره دارد. گرچه ریشه‌ی تاریخی دقیق این کلمه‌ی فارسی را نمی‌دانیم، اما بار جنسیتی و قابلیت آن برای اشتقاق‌های توصیفی و فعلی، استعمالش در این مورد را توجیه می‌کند. با این حال روشن است «خاله‌زنکی» همه‌ی دلالت‌های ضمنی دیگر «gossip» را در بر ندارد. دیگر معادل‌های فارسی برای این کلمه شایعه، اراجیف، غیبت، ژارخایی و سخن‌چینی است. - م.

۳] Oxford English Dictionary: 'A familiar acquaintance, friend, chum,' supported by references from
1361 to 1873.

۴] Mystery play: نمایش‌های کرامات و معجزات اشکالی رایج در تئاترهای اروپای قرون میانه بودند که زندگی قدیسین و روایات کتاب مقدس را به تصویر می‌کشیدند. - م.

۵] *Artisan Drama and Identity in The Civic Cycles*: Nicole R. Rice and Margaret Aziza Pappano, *Premodern England* (Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press, 2015).

۶] *A History of Domestic Manners and Sentiments in England during the Middle Ages* Thomas Wright, (London: Chapman and Hall, 1862).

۷] On the Noah's play in the Chester Cycle, see Rice and Pappano, *The Civic Cycles*, ۵۶۱-۴۸.

۸] *A History of Domestic Manners and Sentiments in England during the Middle Ages* Wright, ۱۲-۰۲۴.

۹] *A History* Wright, ۷۳۴-۸۳.

۱۰] "God may send me a stripe or two," said one, "if my husband should see me here." "Nay," said Alice, another, "she that is afraid had better go home; I dread no man"; Wright, 438.

۱۱] Wright, 439.

۱۲] Battle for the breeches: اصطلاحی است برای توصیف نبرد بر سر اشغال نقش‌های جنسیتی و جایگاه فرادست در مناسبات بیناجنسیتی. تنبان اینجا مجاز از نموده‌های بیرونی تحولاتی است که از آغاز دوران مدرن تا قرن نوزدهم در مناسبات جنسیتی و طبقاتی ایجاد شد. - م.

۱۳] On the attack on the domineering wife, see D.E. Underdown, "The Taming of the Scold: The Enforcement of Patriarchal Authority in Early Modern England," in *Order and Disorder in Early Modern England*, eds. Anthony Fletcher and John Stevenson (Cambridge: University of Cambridge Press, 1986), 129.

۱۴] Samuel K. Cohn, "Donne in piazza e donne in tribunale a Firenze nel rinascimento," in *Sorici* ۲۲-531, no. 3 (July-September 1981): ۲۳.

۱۵] See Underdown, "The Taming of the Scold," ۵۱-۶۳.

When Gossips Meet: Women, Family, and Neighbourhood in Early Modern] Bernard Capp, ۷۱[
England (Oxford: Oxford University Press, 2003), 117.

] The literature on women's exclusion from crafts and guilds in England, as well as France,^{۸۱}[
Germany, and Holland, is extensive. For England, see Alice Clark, *Working Life of Women in the
Seventeenth Century* (London: Routledge & Kegan Paul, 1982 [1919]).

Witchcraft in Early] Marianne Hester, "Patriarchal Reconstruction and Witch Hunting," in ۹۱[
Modern Europe: Studies in Culture and Belief, eds. Jonathan Barry, Marianne Hester, and Gareth
Roberts (Cambridge: Cambridge University Press, 1996), 302.

.۳۲۱] See, among others, Underdown, "The Taming of the Scold," ۰۲[

see also S.D. Amussen, "Gender, Family and;۵۲-۳۲۱] Underdown, "The Taming of the Scold," ۱۲[
Order and Disorder in Early Modern" in Fletcher and Stevenson, ۵۲۷۱the Social Order, 1560-
.۵۱۲, *England*

.۳۲۱] Underdown, "The Taming of the Scold," ۲۲[

(Ithaca, NY: Cornell University *Middle-Class Culture in Elizabethan England*] Louis B. Wright, ۳۲[
Press, 1965 [1935])

منبع: [سایت نقد](#)

اعتراض زنان ژاپنی علیه کفش پاشنه بلند

Photo: pryzmat/shutterstock.com

در ژاپن زنان شاغل اغلب مجبور به پوشیدن کفش پاشنه بلند در محل کار هستند و این اجبار، قانونی نانوشته است که کاسه صبر بسیاری از زنان ژاپنی را سرریز کرده است.

به گزارش ایسنا، بیشتر کنسرنها و شرکت‌های ژاپنی در زمینه پوشش کارمندان خود در محل کار بسیار سخت‌گیر هستند. مثلاً کارمندان زن باید در شمل کار کفش پاشنه بلند بپوشند و بسیاری از زنان شاغل سال‌هاست که از این وضعیت گله دارند.

اکنون ایشیکاوا، هنریشه و نویسنده معروف ژاپنی کمپینی با هشتک "کو تو کو" (KuToo) (" علیه اجبار به پوشیدن کفش پاشنه بلند به راه انداخته است.

حال بیش از ۰۲ هزار زن ژاپنی در حمایت از کمپین او طوماری خطاب به دولت ژاپن امضاء کردند.

در این طومار از دولت خواسته شده وضع " مقررات پوشیدن کفش پاشنه بلند برای زنان توسط کارفرما "را ممنوع کند، چون چنین مقرراتی مصداق تبعیض و آزار زنان است.

به گزارش دویچه‌وله، طومار آنها با اشاره به پیامدهای پوشیدن مداوم کفش پاشنه بلند برای سلامت زنان به وزارت بهداشت ژاپن فرستاده

شده است. مقامات مسئول این وزارتخانه هم اعلام کرده‌اند که درخواست مطرح شده توسط زنان و امکان اجرای آن را بررسی می‌کنند.

منبع: [عصر ایران](#)

برابری دیه زن و مرد چرا به نتیجه نمی‌رسد؟

Photo: /iranhr.net

زن در کنار خیابان منتظر تاکسی بوده که دو مرد موتور سوار به سودای قاپیدن کیفیتش به او نزدیک می‌شوند. بند کیف را یکی از سارقان که عقب نشسته بوده می‌گیرد اما خلاف انتظارش زن مقاومت کرده و کیف را رها نمی‌کند. شاهدان حادثه می‌گویند زن را چند متری به دنبال خودشان می‌کشند و در این میان سر زن با آسفالت کف خیابان برخورد می‌کند و کشته می‌شود. سارق دستگیر می‌شود و به جرم قتل عمد زن در حین سرقت به قصاص محکوم می‌شود. در جریان آید و روند به دادگاه و در یکی از جلسات رسیدگی به پرونده؛ برادر جوان مقتول با متهم به قتل درگیر شده و با چند ضربه به چشمش او را از یک چشم نابینا کرده است. برای اجرای حکم قصاص قاتل هم دادگاه معین کرده که چون مقتول زن بوده و قاتل مرد؛ خانواده مقتول باید علاوه بر دیه نقص عضو سارق، مابه‌التفاوت دیه زن و مرد را به خانواده سارق پرداخت کنند تا حکم قصاص اجرا شود.

این یک داستان تخیلی نیست. روایت یک وکیل دادگستری است در پایتخت ایران. پرونده پیچیده‌ای که البته بخش پایانی‌اش برای او تازگی ندارد. اینکه اگر زنی کشته شده باشد و بخواهند قاتلش را قصاص کنند باید مابه‌التفاوت دیه را بپردازند.

شاید یکی از اولین کسانی که به این تبعیض پرداخت «اصغر فرهادی» باشد. او در فیلم سینمایی تحسین شده «شهر زیبا»، ماجرای خانواده‌ای را روایت کرد که نه به بخشش قاتل دخترشان که از قضا یک کودک، مجرم بود رضایت داشتند و نه امکان پرداخت مابه‌التفاوت دیه برایشان فراهم بود. بازی درخشان ترانه علیدوستی در نقش خواهر مجرم و فرامرز قریبیان در نقش پدر مقتول هرگز از یادها نخواهد رفت.

بحث برابری دیه زن و مرد برای اولین بار از نظر حقوقی چه زمانی مطرح شد؟

در دوره دوم ریاست جمهوری «محمود احمدی‌نژاد» حدود ۰۰۵۱ نفر از مبتلایان به بیماری هموفیلی به دلیل استفاده از فرآورده‌های آلوده خونی به بیماری‌هایی همچون اچ‌آی‌وی و هپاتیت مبتلا شدند و به موجب رای صادر شده در دادگاه مقرر شد دیه پرداختی به زنان و مردان متأثر در این پرونده برابر باشد.

سال گذشته نیز بررسی و جمع‌آوری امضا در موافقت با طرح برابری دیه زن و مرد در شورای مشورتی فقهی و حقوقی معاونت زنان ریاست جمهوری مجدداً در دستور کار قرار گرفت. پیش‌تر در تیرماه ۷۹۳۱ پروانه سلحشوری؛ نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به رسانه‌ها درباره بررسی این طرح در مجلس خبر داده بود.

در آخرین واکنش به این اقدام نمایندگان مجلس، جعفر سبحانی از مراجع تقلید قم از نمایندگان مجلس خواست که به این موضوع ورود نکنند و به رسالت خود بپردازند که به گفته او همان «رسیدگی به وضعیت معیشتی مردم» است. به باور اغلب مراجع تقلید شیعه در ایران مساوات دیه زن و مرد باید بررسی شود و اساساً مجلسیان صلاحیت بررسی این موضوع فقهی را ندارند.

بر اساس قانون مجازات اسلامی دیه زن همچنان نصف مرد است و تنها در صنعت بیمه، دیه مرد و زن با یکدیگر برابر شده است. این مصوبه در ۶۲ آبان‌ماه ۴۹۳۱ توسط مجلس تصویب و توسط شورای نگهبان تایید شد که پرداخت خسارت وارده به زیان‌دیدگان در حوادث رانندگی بدون در نظر گرفتن جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه‌نامه انجام شود که شورای نگهبان این مصوبه را تأیید کرد.

چرا در اسلام دیه زن نصف دیه مرد است؟

«عبدالحمید معصومی تهرانی» از روحانیون نو اندیش ساکن تهران بر این باور است که در فقه سنتی این تبعیض‌ها وجود دارد اما دلایل عقلی برای آن موجود نیست. او وضع چنین قوانینی را محصول جوامع مردسالار می‌داند و معتقد است در این جوامع عموماً قوانین به نفع

مردان نوشته می‌شوند.

محمد اولیایی فرد؛ حقوقدان، در خصوص قانون مجازات اسلامی و نابرابری دیه زن و مرد در می‌گوید: «مطابق ماده ۱۸۳ مجازات اسلامی مجازات قتل عمد قصاص است. ماده ۵۵۰ همین قانون هم صراحتاً اعلام کرده است که دیه قتل زن، نصف دیه قتل مرد است. بنابراین در خصوص پرونده ای که موضوعش را مطرح کردید حکم داده شده نادرست نیست.»

او البته به نکته دیگری هم اشاره می‌کند که حائز اهمیت است: «یک نکته را باید بدانید که این مابه‌التفاوت را نیاز نیست خانواده مقتول پرداخت کنند چرا که در تبصره ماده ۱۵۵ قانون‌گذار اعلام کرده است که تفاضل دیه از صندوق خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود.»

محمد اولیایی فرد می‌گوید علیرغم تلاش‌های زیادی که در طول سالیان گذشته و بخصوص از دهه ۰۷ شمسی به بعد انجام شده موافقت با طرح برابری دیه زن و مرد همواره موانعی پیش روی خود داشته است: «برابری دیه زن و مرد به وجود نیامده چون دیه، قصاص و حدود در قرآن آمده است و نمی‌توانند آن را عوض کنند بلکه می‌توانند آن را دور بزنند. این کار را قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۲۹ انجام داده است.»

تبصره ماده ۱۵۵ می‌گوید: «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت های بدنی پرداخت می‌شود.»

آیا نابرابری دیه زن و مرد صراحتاً در قرآن مطرح شده؟

تفاوت دیه زن و مرد در اسلام با استناد به تفاسیر فقها از آیه ۸۷۱ سوره بقره در قرآن تعیین شده است.

در این آیه تصریح شده است که مرد برای کشتن زن قصاص نمی‌شود و فقها با استناد به آن و البته اتکا به برخی روایات موجود برداشت فقهی خود را مبنی بر اینکه خون‌بهایی که برای قتل زن باید پرداخته شود با مرد برابر نیست در قانون مجازات اسلامی لحاظ کرده‌اند. از سوی دیگر برخی فقها همچون آیت‌الله یوسف صانعی «معتقدند این برداشت فقهی است و در متن قرآن نیامده به همین علت هم قابل تجدید نظر است. آن‌ها می‌گویند احکام زیادی وجود دارد که به همین سیاق بعدها و به تناسب زمانه تغییر کرده اند مثل نابرابری دیه مسلمان و غیرمسلمان.

فراز و نشیب های پیگیری مطالبه برابری دیه زن و مرد

نگاهی به تاریخچه تلاش‌ها برای برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان در دهه ۰۸ نشان می‌دهد که مقدمه‌گفتمان برابری دیه زن و مرد هم در همین دوران رخ داده است. بعد از اینکه مصوبه «مجمع تشخیص مصلحت نظام» در خصوص برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان با تلاش‌های نمایندگان مجلس ششم به سرانجام رسید، فعالان مدنی بخصوص اعضای کمپین یک میلیون امضا به تغییر در نابرابری دیه زن و مرد امید بستند اما در همان ابتدای کار صدای اعتراض فقهای ساکن قم بلند شد و تنها کسی که موافقت خود را با این طرح اعلام نمود «یوسف صانعی» از مراجع تقلید نواندیش بود.

محمد اولیایی فرد در خصوص مشکلات پیش روی فعالان مدنی در طرح برابری دیه زن و مرد طی سالیان گذشته می‌گوید: «این برداشت فقهی در زمانی قابل اعتنا بوده که مرد در اصطلاح «نان‌آور خانه» بوده و زنان در تأمین هزینه‌های زندگی مشارکتی نداشته‌اند اما متأسفانه تا زمانی که فقها با تغییر این قانون موافقت نکنند تلاش فعالان و نمایندگان مجلس به بار نمی‌نشیند.»

او یادآور می‌شود که برخی از چهره‌های شاخص تصمیم‌گیرنده در حوزه قوانین ایران، همچون «اکبر هاشمی رفسنجانی» موافقت خود را با برابری دیه زن و مرد اعلام کرده و حتی تلاش‌هایی هم برای جلب نظر رهبر جمهوری اسلامی با این قانون صورت گرفته است.

رهبر ایران در گذشته بر تفاوت داشتن دیه زن و مرد اصرار داشت و این خود یکی از چالش‌های تصویب این قانون در شورای نگهبان بود. آیت‌الله خامنه‌ای پیش‌تر گفته بود: «مرد برای ورود در میدان‌های اقتصادی و مالی است. نه این که زن حق ندارد، چرا ولی زن گرفتاری دارد، زن زایمان دارد، شیر دادن دارد، ظرافت جسمانی دارد، ظرافت احساسی دارد، این‌ها در ناحیه مالی و اقتصادی و فعالیت‌های مربوط به این‌ها، برای زن محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند. اما مرد این محدودیت‌ها را ندارد. اصلاً برای این است که بار مسایل اقتصادی را بر دوش بکشد. بنابراین، در امر دیه، بین دیه مرد و زن تفاوت وجود دارد.»

بعدها اما او در دیدار با زنان اصول‌گرای مجلس هفتم از قطعی نبودن قوانین مبتنی بر فقه سخن گفت و تأکید کرد که این قوانین «سخن آخر نیستند بلکه ممکن است با تحقیق یک فقیه ماهر و مسلم بر مبانی و متد فقاقت، نکات جدیدی استنباط شود.» «تغییر نظری که چندان در بحث برابری دیه زن و مرد کارساز و موثر نبوده است.»

قوانین ضد زن و تضادهای حقوقی و قانونی در ایران کم نیستند. علیرغم آنچه حاکمیت ایران ادعا می‌کند در حوزه‌های مختلفی از قانون،

همچنان حقوق زنان نقض می‌شود. در قلمروی «قانون خانواده»، در حوزه قوانین «ارث و همچنین» قانون مجازات اسلامی». اینگونه به نظر می‌رسد که با وجود فراز و نشیب‌های بسیار در طول سه دهه گذشته همچنان اراده جمهوری اسلامی بر نابرابری مرد و زن در جامعه است چه در وقت حیات و چه در ممات.

سازمان حقوق بشر ایران منع:

شرط ضمن عقد تا چه اندازه می‌توانند به زنان کمک کنند؟

Photo://iranhr.ne

شهرزاد کریمی / تحریریه مجله حقوق ما:

حق طلاق برابر برای زنان ایرانی به یک چالش تبدیل شده است. تعداد بسیار زیاد درخواست‌های طلاق از سوی زنان که بن‌بست‌های قانونی برخورد می‌کند، شاهدهی بر این مدعاست. عرف و شرایط فرهنگی جامعه با تمام توان و به اشکال مختلف در حال مبارزه با این قوانین است و سعی در دور زدن یا پس زدن آن‌ها دارد. همین مسئله شاید باعث شده که گاه درهایی برای زنان باز شود.

اما چقدر امکاناتی مثل شروط ضمن عقد یا وکالت محضری برای طلاق موثر است؟ قوانین درباره مردان و درخواست‌های آنها چگونه است و آیا امیدی برای بهتر شدن اوضاع وجود دارد؟ مجله حقوق ما با **فرشته تابانیان**، وکیل دادگستری، درباره شروط ضمن عقد گفت‌وگو کرده است که در پی می‌آید.

این مطلب در شماره ۵۹ مجله حقوق ما منتشر شده است. برای دریافت رایگان فایل پی‌دی‌اف مجله، کلیک کنید

خانم تابانیان! چند سالی است که بر روی شروط ضمن عقد تأکید فراوانی می‌شود. بسیاری معتقدند زنان باید این شروط را حتما در زمان عقد مد نظر قرار دهند و از زوج بخواهند آن‌ها را بپذیرد. به عنوان یک وکیل، اولاً نظر خود شما درباره شروط ضمن عقد چیست؟ در مرحله بعد بفرمایید آیا به نظر شما بر فرض که زوج همه شروط را به صورت محضری بپذیرد، آیا این می‌تواند مساوی با حق طلاق برابر برای زن و مرد محسوب شود؟

شروط ضمن عقد ازدواج، شروطی هستند که در هنگام عقد ازدواج در سند ازدواج در قسمت «سایر شرایط» ذکر می‌شود. با توجه به قوانین موجود در ایران، فعلاً بهترین کار برای اینکه زنان بتوانند بعد از ازدواج تا حدودی استقلال خود را حفظ کنند، شروط ضمن عقد است. شروط ضمن عقد می‌توانند شامل موارد زیادی باشند که یکی از آن‌ها، شرط «وکالت در طلاق و قبول بذل» است. این شرط می‌تواند مساوی با حق طلاق برابر برای زن و مرد شود. از آنجایی که طبق شرع اسلام حق طلاق با مرد است، قانون می‌تواند مثل موارد ۶۱ گانه و یا ۲۱ گانه در سند ازدواج، این شرط را به صورت رسمی در سند ازدواج قید کند و زوج را مکلف به پذیرش آن کند.

وکالت محضری برای طلاق چیست؟ شرایطش چیست؟ آیا وکالت محضری برای طلاق می‌تواند تضمین کننده حقوق یک زن برای خواست طلاق در آینده شود؟

وکالت محضری برای طلاق یعنی اینکه بعد از عقد ازدواج در دفاتر اسناد رسمی زوج به زوجه وکالت در طلاق و قبول بذل بدهد. شرایط آن برای موثر بودن و اینکه در طلاق زوجه بتواند از آن استفاده کند این است که وکالت بلاعزل باشد و زوج تمامی حقوق خود را به زوجه بدهد. باید حقوق مالی زوجه در آن مشخص باشد و حتماً بلاعزل باشد که بعداً زوج نتواند از آن عدول کند.

آیا حق طلاق با بخشش کامل مهریه ممکن است؟ چرا گفته می‌شود بخشش مهریه می‌تواند شرایط برای طلاق را جدا از

موافقت یا مخالفت مرد تا حدودی تضمین کند؟ قضاات و دادگاه‌های حقوقی وقتی که زنی مهریه را می‌بخشد می‌توانند در تسریع طلاق به زن کمک کنند؟

حق طلاق با بخشش کامل مهریه فقط در صورتی ممکن است که زوج قبول بذل کند. یعنی زوج بپذیرد، و گرنه کمکی به زوجه نمی‌کند. به نظر این اشتباه است که بدون توجه به موافقت یا مخالفت مرد بگوییم بخشش مهریه متضمن طلاق زن است. چون در هر صورت مرد باید بپذیرد. مگر در شرایط طلاق عسر و حرج که به درخواست زوجه می‌باشد و معمولاً قضاات برای راحتی کار خود می‌گویند که حقوق مالی زوجه را ببخشند و گرنه کمکی نمی‌کند.

قانون درباره متعه یا صیغه در قوانین دست مرد را بسیار باز گذاشته و شرایط برای اعتراض زن در این رابطه بسیار محدود است. از آن سو عملاً محدودیت در درخواست طلاق برای زنان وجود دارد. چون قوانین این موضوع را دلیل برای طلاق نمی‌دانند و همراهی نمی‌کنند. آیا اگر زن معتقد باشد همسر صیغه‌ای شوهرش خیانت محسوب می‌شود، چگونه می‌تواند از امکانات قانونی به نفع خودش استفاده کند؟

در یکی از شروط ۲۱ گانه یا ۶۱ گانه که در سند ازدواج است، مسأله ازدواج دوم شوهر می‌باشد. با توجه به اطلاق ازدواج در این بند، بیشتر قضاات اعتقاد دارند که اگر ثابت شود، حتی اگر موقت باشد، زن این حق را دارد که درخواست طلاق به علت ازدواج مجدد شوهر را مطرح کند.

در نظام قضایی ایران اگر مردی تصمیم بگیرد همسرش را پس از پرداخت مهریه طلاق دهد، آیا مانعی بر سر راهش می‌گذارد؟ شرایط برای زنان چگونه است؟

مرد هر وقت بخواهد می‌تواند طی مراحل قانونی زنش را طلاق دهد و حتی در صورت مخالفت زن هم طلاق داده می‌شود.

پیچیدگی قضایی برای درخواست طلاق زنان و اعمال سلیقه‌ای قانون چقدر در اطاله پرونده‌های درخواست طلاق زنان موثر است؟

طلاق به درخواست زوجه مراحل زیادی دارد. زوجه باید عسر و حرج خود را ثابت کند. این باعث طولانی شدن روند دادرسی می‌شود. همچنین چون فقط مصادیق عسر و حرج در قانون آمده و برای زنان متفاوت می‌باشد بنابراین باعث اعمال سلیقه قضاات در این موارد می‌شود.

لوايح مربوط به حق طلاق زنان در مورد ازدواج مجدد تا چه در تمام این سال‌ها توانسته‌اند از فیلتر مجلس و شورای نگهبان گذر کنند؟ آیا وضعیت قوانین مربوط به طلاق برای زنان نسبت به ده سال قبل بهتر شده یا سختگیرانه‌تر؟

قانون جدید خانواده به زنان کمک کرده است و نسبت به قوانین قبلی بهتر است. هر چند هنوز راه زیادی برای برابری حقوق زن و مرد مانده است.

با توجه به جو فرهنگی امروز ایران (نیازها و درخواست‌ها و ظرفیت‌ها) به نظر شخص شما و با توجه به تجربیات حقوقی‌تان چقدر حق طلاق برابر نیاز جامعه امروز ایران است؟

فرهنگ مردان و زنان بسیار بهتر شده است. آگاهی افزایش پیدا کرده و نظر مردم در مورد ازدواج یک طرفه به یک ازدواج برابر رسیده است. رسانه‌ها در این مورد می‌توانند کمک کنند. می‌توان امیدوار بود که مردان بیشتری به حقوق برابر زنان همراهی کنند.

در شرایطی که مردی تحت هیچ شرایطی راضی به طلاق همسرش نمی‌شود و سال‌ها دادگاه به طول می‌انجامد، به نظر شما بعنوان یک حقوق‌دان، آیا می‌شود به صراحت گفت حق سال‌ها زندگی یک انسان در پیچ و خم راهروهای دادگاه تلف

می‌شود و زندگیش تحت تاثیر قرار می‌گیرد؟ آیا به نظر شما خود این مسئله به تنهایی حق‌کشی زیر سایه قانون نیست؟ نظرتان درباره حق طلاق برابر چیست؟

من زنان زیادی را دیدم که فقط برای اینکه مردان را برای طلاق تحت فشار قرار دهند، مهریه و نفقه خود را مطالبه کرده‌اند. این خود باعث زیاد شدن پرونده‌های دادگاه خانواده می‌شود. زنان زیادی برای این که بتوانند طلاق بگیرند در دادگاه‌های خانواده عمر خود را تلف کرده‌اند. سال‌ها زندگی آن‌ها هدر می‌رود. زندگی که می‌توانست با جدا شدن دو نفر از هم بهتر و راحت‌تر پیش برود، فقط به دلیل اینکه قانون حق طلاق را برای مردان داده است و مردان گاه از این حق خود سوءاستفاده می‌کنند، باعث نابودی زندگی دو نفر می‌شود. این یک نوع حق‌کشی است که متأسفانه حمایت قانونی هم می‌شود.

منبع: [سازمان حقوق بشر ایران](#)
